

اسلام و آثار باستانی

امیرفیض- حقوقدان

دیروز خبری انتشاریافت مبنی بر اینکه «تار» ابزار موسیقی را جمهوری آذربایجان بنام کشور خود دریونسکو به ثبت رسانده است.

چندروز قبل هم خبری انتشاریافت که گروهی از ایرانیان به عمل موزه لوور درنارندیده گرفتن حقوق ایران نسبت به آثار فرهنگی و ادبی و ادعای تعلق آن به اسلام اعتراضی را دنبال میکنند.

جریان بالا توصیه تنظیم این تحریر را بنحو اختصار لازم ساخت.

نخست ثبت تار از سوی یک کشور اسلامی

نخستین مسئله ای که در جوامع، خاصه از نوع اسلامی آن، پروانه و جواز اقدام است تجویز شرع و یا قانون ناظر بر حقوق آن ملت است، و در کلامی دیگر موضوعی که در حمایت شرع تکلیف نشده باشد در جوامع اسلامی حرام شناخته میشود.

تار و دیگر لوازم موسیقی که در اسلام بنام آلات لهُو خوانده میشود حرام است حتی خرید و فروش آن ولو بقصد نگاهداری و زینت در خانه باشد حرام است، آیات متعددی در قرآن حکم حرام بودن آنرا با خود دارد از جمله آیه ۱۱ سوره جمعه در این مورد تفاوتی هم بین فرق اسلامی نیست و اجماع مفسرین اسلامی و محققین بر حرام بودن آن حکم داده اند.

آیا چیزی که اسلام حرام کرده است یک کشور اسلامی و حکومت آن میتواند آنرا به نام میراث فرهنگی خود به ثبت برساند و در عبارت دیگر یک مورد حرام را به حمایت خود در آورد؟

البته بر اساس مقررات یونسکو (سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل = یونسکو) تقاضای ثبت آن مانعی ندارد ولی آیا ثبت آن برای کشور اسلامی آذربایجان حق و امتیازی ایجاد مینماید؟ مسلماً خیر! زیرا بنا بر حقوق اسلامی تصمیماتی که خلاف قرآن اتخاذ میشود باطل و بیهوده است مگر آنکه جمهوری آذربایجان لائیک باشد.

گفته شده است حکومت اسلامی ایران به عمل دولت آذربایجان اعتراض کرده و یا خواهد کرد، اعتبار چنین اعتراضی در حد اعلاهی همان عمل غیر اسلامی است که جمهوری آذربایجان مرتکب شده است.

در حال حاضر، ایران یک کشور اسلامی متشیع است یعنی علاوه بر احکام قرآن و سنت محمد سنت ۱۲ امام هم پشتوانه احکام است، و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم سنت ۱۲ امام را برابر قرآن و سنت محمد گرفته است، و سنت ۱۲ امام هم در ذم موسیقی و حریمیت آن بکرات تصریح دارد و حتی آمده است که در خانه ای که یک آلت لهُو باشد برکت و فرشته به آن خانه وارد نمیشود.

مقصود این است که حرمت آلات موسیقی از جمله تار در کشور اسلامی ایران بمراتب اشد از آذربایجان شوری است.

یک آقانی در رابطه با اقدام آذربایجان شوروی نوشته که «سازمان فرهنگی دولتی کشور ما مسئولیت برخورد با اقدام جمهوری آذربایجان را دارد»

نوشته ایشان منطبق با حقوق مدرن است نه حقوق اسلامی که سازمان های فرهنگی کشور ایران مسئولیت رعایت آنرا در همه موارد دارند، دامنه مسئولیت آنان اجازه حمایت از آلات موسیقی از جمله تار را نمیدهد و اگر در اعتراض به یونسکو، یونسکو مدعی عدم صلاحیت و اهلیت جمهوری اسلامی برای طرح دعوا به استناد قانون اساسی جمهوری اسلامی و حرام بودن آلات موسیقی بشود و دادخواست و شکایت جمهوری اسلامی را خلاف قانون اساسی آن کشور بگیرد آیا ذلت و خواری و سرنوشت چنین معارضه ای کاملاً روشن نیست.

اما در مورد آثار تاریخی و فرهنگی

در مورد اعتبار آثار تاریخی و فرهنگی باید احتیاطی را منظور داشت به این توضیح که اسلام بطور کلی قائل به احترام و اعتبار به آثار تاریخی و فرهنگی نیست.

نمونه های دلیلی

۱- پس از فتح جزیره رودس بوسیله قوای اسلام در زمان معاویه یکی از عجائب هفتگانه جهان بدست لشگر اسلام چنان از بین رفت که اثری از آن وجود ندارد، اثر مزبور، مجسمه نیکی عظیمی بود که بعد از فتح این جزیره با زحمات زیاد، این مجسمه عظیم را که از مفرغ ساخته شده بود با برپا ساختن داربست های بلند و چندین ماه صرف وقت خرد کردند و قطعاتش را با شتر به مدینه حمل کردند تا آثار کفر از میان برداشته شود - باستانشناسان تاکنون نتوانسته اند قدمت این هنر عجیب و شگرف تاریخی را بدست بیاورند.

(تاریخ فریشلر آلمانی)

در همین سالهای اخیر مسلمانان افغانستان (طالبان) بر سر مجسمه تاریخی بودا همان آوردند که معاویه بر مجسمه مفرغی جزیره رودس آورد و همان بود که خمینی با آثار تاریخی باستان ایران کرد.

۲- در کتاب تاریخ فتوح البلدان آمده است:

اعراب وقتی وارد مدائن شدند بقوت اسبان بهم زنجیر شده ستونهای عظیم مرمرین کاخهای ساسانیان را بعنوان اینکه آثار شرک و بت پرستی است از بیخ و بن برکنند و شهر تیسفون را چنان سوزاندند که دیگر در هیچ عصری احیاء نشد.

۳- در زمان خلافت عمر خلیفه دوم اسلام، سعد و قاص پس از فتح مدائن بدستور عمر کل آثار فرهنگی و دستنویس ها را سوزاند و یاباه آب ریخت تا آثار طاغوت از بین برود.

استاد همانی نوشته است:

«همان کاری را که اسکندر بآکتابخانه استخر و عمرو عاص به امر عمر بآکتابخانه اسکندریه و هلاکو بآدارالعلم بغداد کردند سعد و قاص با فرهنگ عجم کرد»

وهابی ها و سلفی ها که حکومت امروزی عربستان را تشکیل میدهند حتی خواستار صاف کردن حرم محمد هم هستند و حتی به بهانه ایجاد مسجدی به وسعت یکمیلیون و ششصد هزار نمازگزار خواستار تخریب مسجد تاریخی مدینه هم شده اند.

این گروه عظیم مسلمانان که اکثریت راتشکیل می‌دهند هیچگونه اعتبار و احترامی برای آثار تاریخی و یا فرهنگی قائل نیستند چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام باشد، توجه به آن آثار و اعتبار دادن به آنها را شرک میدانند و حتی قبور بالاتر از زمین را تاچه رسد به گنبد و بارگاه را شرک می‌شناسند و صاف بودن آنها با زمین لازم میدانند.^۱

اقلیتی از مسلمانان جهان که شیعیان هم جزء آنان هستند قائل به تفاوت هستند بین آثار قبل از اسلام و آثار بعد از اسلام.

سند این مطلب را از سنگر ۲۲ مرداد سال ۵۹ شماره ۲۶ می‌آوریم که معلوم باشد تحقیق امروز سابقه ای سی و چند ساله دارد و در سال ۵۹ که کمتر کسی به چنین مسائلی توجه داشت سنگردلهره داشت.

«تشیع خمینی (پان شیعه ایسم) معتقد است که خلافت بعد از محمد حق علی است و بعد او هم حق امامان و سپس حق ملاحای سید است که ورثه محمد هستند با این ادعای پوچ نتیجه می‌گیرد که تمام خلفا و پادشاهان و حکومت‌های بعد از حضرت محمد که به خلافت و حکومت رسیده اند طاغوت و قدرت ناروا بوده و این قدرتها و علانم آنها باید از میان برود و میرفتند، و اگر دیگران به این تکلیف عمل نکردند امروز باید این دین شرعی و مذهبی پرداخته شود.»

(همان سنگر صفحه اول)

اعتقاد شیعه را همراه اعتقاد اکثریت مسلمانان که آثار باستانی قبل از اسلام را هم بی اعتبار و زائد میدانند بگذارید و به این نتیجه روشن میرسیم که اصولا مسلمانان نمیتوانند برای آثار تاریخی و هنری و فرهنگی چه قبل از اسلام و چه بعد آن اعتباری قائل بشوند.

«بنابراین ویرانی آثار تاریخ ایران و حذف نام شعرا و فضلالی ادب ایران از کتب درسی مدارس و دیگر ضربه های تاریخی به فرهنگ و هویت ملی ایران را نباید یک امر فرصت طلبانه و از باب دشمنی خمینی با سلطنت گرفت بلکه با نظرواقع بینانه پذیرا خواهیم بود که نظرات این کرم اسلام خوار (اشاره به خمینی است) حاصل تکلیف شرعی اوست.»

(از همان سنگر صفحه دوم)

در پایان همان مقاله عبارت زیر رابه تفاق میخوانیم:

«در آینده در کنار ویرانه های آثار تاریخی و هنری و مردمی کشورمان نوشته هانی خواهیم یافت که نوشته شده است؛ این یادگارهای تاریخی و این اثر علمی و هنری راقرنها ایرانیان و پادشاهان و حکام جور و عدل از هجوم و بیلابای ارضی و سماوی مصون و محفوظ داشتند تا سال ۱۴۰۰ قمری = ۱۳۵۷ که بنام اسلام و بدست ملاحای متشیع مسلمان ویران شد ننگ و نفرین و لعن بران ملاحای غارتگر و ویرانگرو تفو بر اعتقادات فکری آنها.»

(همان سنگر صفحه آخر)

«اگر حکومت اسلامی در جامعه ایران استقرار یابد و بقدرتی که لازمه حیات اجرائی آن است برسد، هیچ اثری از فرهنگ و هنر و آثار تاریخی و علم و دانش باقی نخواهد ماند زیرا جامعه اسلامی فقط یک کتاب و یک علم نیاز دارد آنهم قران است.»

(از کتاب قضاوت ۱۵۴ عبدالرحمن انتشارات سنگر بهمن ۵۹)

^۱ - امام در باره بزرگنمایی «امام ها و امامزاده» هایی که ریشه ای برای آنها در تاریخ یافت نمی شود طور دیگری عمل میکنند و میلیون ها دلار خرج برج و بارو و گنبد و بارگاه و مناره و ضریح می کنند. بتازگی دو ضریح بسیار گرانبیقیمت از تهران به نجف و کربلا ترابری شده است. ح-ک

به اظهارات شخص خمینی در رابطه با آثار تاریخی توجه فرمائید:

از همه ادارات از همه وزارت خانه ها میخوایم و باید آن شیروخورشید منحوس باید قطع شود همه آثار طاغوت باید محو شود. آثار طاغوت باید برود اینها آثار طاغوت است. تاج آثار طاغوت است. آثار باید اسلامی باشد نه آثاری که در تهران است، آقا بیدار باش - امت بیدار باش - ملت بیدار باش از همین الان باید این مسائل حل شود.....<

(از نوارسخنرانی خمینی)

حاشیه - تشابه

در طرح دادخواست علیه موزه لوور هم به بیدار کردن وجدان ایرانیان اشاره مطلوبی شده است وجه تشابه نامانوسی بین خواست خمینی در بیدار کردن مردم با دادخواست علیه موزه لوور که بیدار کردن وجدان ایرانیان است وجود دارد، شاید دوبیتی زیر بیان مقصود باشد:

غول باشد نه عالم آن که از او بشنوی قول و ننگری کردار

عالمی خفته و توهم خفته خفته را خفته کی کند بیدار

این ملت خمود اسلام زده خفته به مرگ را کجا میتوان بیدار کرد قطعه ای از کتاب قضاوت میاورم که ملاحظه فرمائید از همان ظهور این بختک اسلامی در جامعه ایران شیپور بیدارباش زده شده است.

اگر خمینی میدان پیدا کند که اسب حکومتی اش رابتازاند ومقررات اسلام حکومتی رادر جامعه ایران پیاده نماید در فضای ایران هیچ سری نخواهد بود که برگردنی باشد که از مخالفت باحکومت اسلامی ویاهریک از ملامهای تابعه، اندیشه ای داشته باشد.

ای روشنفکران، ای جبهه ملی خانن، ای استاد دانشگاه عوامفریب وفرصت طلب وای رهبران باصطلاح سیاسی پرمدها که باعلم به اصول فقهی واصل حاکمیت تشیع (ولایت فقیه) به دور این عنکبوت تشیع حلقه زدید وگواهی حمایتی افکار او را صادر کردید، کجای این اصول فقهی وشرعی تغییرناپذیر، بوی آزادی ودمکراسی، سازندگی ورفاه وترقی وپیشرفت جامعه رامیدهد که وطنت، آزادی ات، رفاه ملت، امنیت واستقلال وحاکمیت ملی ات را با آن عوض کردی وخود رابه قیمومت یک ملای سیاه فکرخونخوار در آوردی وایران وملت را به این روز سیاه نشاندی. شما پیشقراولان اشاعه و تائید و تنفیذ افکار این ابلیس در جامعه ایران چه جوابی درمقابل تاریخ خواهید داشت<

(صفحه ۱۹۱ کتاب قضاوت)

شیپوربیدارباش ما قادر نیست کما اینکه نبود تا خواب زدگان ۱۴۰۰ سال را بیدار کند.

نقش جمع آوری امضا در ثبت اثر ویا هنر فرهنگی

واقعه ای بموازات جمع آوری امضای دادخواست علیه لوور در ایران روی داده که توجه به آن میتواند از نقش امضا و جمع آوری آن در ثبت اثر و هنر تاریخی وفرهنگی آگاه شد.

چند روزی است که یک متن مشترک از طریق ایمیل یاپیامک در بین مردم کشورمان در حال رد و دل شدن است به این عنوان که برای ثبت بقیع به ۵۰۰۰۰ امضا نیاز است، شما میتوانید به آدرس امضا کنید.<

(خبرگزاری جامعه فارس)

آقای اتوسا مومنی مدیرکل دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث‌های فرهنگی یونسکو گفت: «من درباره جمع آوری امضا‌های اینترنتی در جهت ثبت جهانی بقیع یونسکو واقعا متحیرم چون ثبت آثار در یونسکو یک ضابطه کلی دارد، اینگونه نیست که مانسبت به اثر تاریخی و یا هنری که درکشوردیگری هست پیشنهاد ثبت بدهیم، یونسکو هر اثری بنام کشوری ثبت میشود و خود آن کشور باید برای ثبت جهانی میراث فرهنگی پابش بگذارد، او اضافه کرده است که میراث‌های فرهنگی در کشورهای مختلف متولیان و مدعیان متعددی دارد ولی یونسکو درخواست ثبت را از متولی (دولت) همان کشور میپذیرد. (همان ماخذ)

بنابراین همانطور که ثبت آثار هنری و علمی و تاریخی هر کشوری باید از طرف دولت آن کشور انجام گیرد اعتراض به ثبت نادرست و یا سوء استفاده از آثار هنری و علمی و تاریخی کشور نیز باید از طرف دولت صورت گیرد نه مردم.

بجاست بدانیم که بر حسب اعلام دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو «در حوزه ثبت جهانی مشاهیر ایران تاکنون ۴ نفر ثبت نام شده است که عبارتند از

- ۱- بیرجندی ریاضی داد و جغرافیادان
- ۲- ابوعلی سینا
- ۳- ابن الخیر
- ۴- ابو عطیه اصفهانی

آثار تاریخی و هنری در موزه ها

اثری که در موزه ها ارائه میگردد آنها که مورد تائید یونسکو میباشد علامت خاص و شماره ای دارد که از طریق آن شماره میتوان به سجل آن اثر مراجعه و آگاه شد و آنها که علامت مخصوص راندارند اهمیتشان در حد همان عتیقه جاتی است که در عتیقه فروشی ها وجود دارد با این تفاوت که فقط جنبه نمایشی دارد.